



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۱۱/۱۵

یونس نگاه

پیوریتانیزم زبانی

دری خواهان دو گروه اند. یکی آنان که فارسی را مانع یا زبان رقیب می خوانند و تصور می کنند وقتی فارسی افغانستان را دری بخوانیم زمینه حذف آن از دفتر و بازار مهیا خواهد شد. عده ای از سیاستمداران و حاکمان افغانستان حذف فارسی یا دری را بخشی از پروژه ملی افغان سازی می شمارند و هرگونه نزدیکی فرهنگی و داد و ستد بین فارسی زبانان منطقه را تهدید به «افغانیت» می دانند.

دسته دوم کسانی اند که دری را گونه ای از فارسی می دانند که در افغانستان بالیده و در گفتار و نوشتار صاحب هویتی شده است که در کنار فارسی رایج در ایران و تاجیکستان و ازبیکستان باید به وجودش احترام بگذاریم و به بهانه فارسی سچ و فارسی یگانه آن را شاخه بری و معیوب نکنیم.

من در دسته دوم هستم. زبان فارسی دری را هم در گفتار و هم در نوشتار صاحب هویت می دانم و تلاش ها برای شاخه بری آن به سود فارسی تهرانی را اشتباه و اقدام سیاسی افراطی می خوانم. زبان مثل خود ما آدم ها باید زنده و پر تنوع پذیرفته شود. همان طوری که عبارت «همه افغان ها مسلمان حنفی اند» اعلام سیاسی دروغین است، «همه فارسی ها فارسی ایرانی است» نیز اشتباه و دروغ می باشد. شیعه مسلمان است، ولی حنفی نیست. دری فارسی است ولی با فارسی تاجیکی و ایرانی تفاوت های مشهود دارد. فارسی است، ولی فارسی دری است. دری خواندن فارسی افغانستان نفی آن نیست، بلکه تایید وجودش است.

«پاکیزه گرایی» یا پیوریتانیزم در عرصه های گوناگون انحراف رایج و دردرساز بوده است. در دین، پاکدینی و سلفی گری بسیار جنجال خلق کرده و خون و تفرقه راه انداخته، ولی همه مسلمانان را نتوانسته است زیر یک چتر واحد بی رنگ و بی تنوع جمع کند. مارکسیست ها نیز در افغانستان و باقی جهان از پاکیزه گی و سچه گی ایدئولوژی خود کتاب ها نوشته اند و علیه همدیگر صف کشیده و برای حذف تنوع و تفاوت های جزیی خون ها ریخته اند. ولی در عمل نه مارکسیسم یگانه، نه اسلام واحد و نه فارسی واحد و نه افغان یکرنگ به دست آمدنی است.

فارسی را اگر تعریف کلان تر برایش قایل شویم و بگوئیم که دری، تاجیکی و فارسی رایج در ایران همه علیرغم تفاوت های مشهود فارسی اند، حرف درست گفته ایم، و این سخن با طبیعت زبان و دیگر پدیده های اجتماعی- انسانی سازگار است. اگر تاکید کنیم که نخیر تاجیکی توطیه است، دری توطیه است و فارسی مثل اسلام نسخه یگانه دارد و مثل خدای یگانه غیر قابل تقسیم و تعددناپذیر است اشتباه کرده ایم.

در برابر سلفی گری، سچه گرایی و وحدت گرایی باید ایستاد شویم، چون این ذهنیت ساری است و در عرصه سیاست و اقتصاد و فرهنگ و قومیت و دیگر عرصه های زندگی برای ما مشکل خلق می کند. ذهنیتی که می گوید اسلام نباید متنوع باشد، افغان نباید رنگین باشد، فارسی زبانان افغانستان نیز نباید هزاره و تاجیک و ایماق و قرلباش داشته باشند، ذهنیت افراطی و حذف گراست.

کسانی که می کوشند فارسی دری افغانستان را جراحی کرده و با افزودن کلمات و اصطلاحات رایج در ایران آن را «فارسی تر» سازند، با آنانی که هرگونه رابطه بین فارسی ایران و افغانستان را نادرست یا جرم می خوانند همدست می باشند. هردو جریان برای رشد زبان فارسی در افغانستان مانع خلق می کنند.

فارسی میراث مشترک منطقه ماست و ما از این طریق ظرفیت های خود را شریک می سازیم، تجارت و سفر و دادوستدها را سهل تر و کم هزینه تر انجام می دهیم. فارسی ساکنان منطقه ما را به هم پیوند می دهد. باید آن را تقویت کنیم و رشد دهیم. داد و ستد زبانی- فرهنگی معقول بین فارسی تاجیکی و دری و فارسی ایران باید حمایت شود. این سه گونه فارسی بخصوص در نوشتار هرچه به هم نزدیکتر شوند بهتر است. ولی این نزدیکی نباید یکسویه، جعلی

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

و تحمیلی باشد. باید به شکل ارگانیک، چندجانبه و همراه با احترام متقابل و اعتماد به نفس (بخصوص از سوی ما افغان‌ها) انجام گیرد. به بهانه نزدیکی زبان نباید زمین و میدان عمل فارسی دری را در افغانستان نابود کنیم، و نباید زبان نوشتار از گفتار چنان فاصله بگیرد که گویندگان فارسی دری افغانستان احساس بیگانگی کنند و به فارسی‌بودن آنچه در کوچه و بازار و خانه و اداره می‌گویند دچار تردید گردند.

مثلاً برای فارسی‌زبان‌تر شدن نیاز نیست که پوهنتون را دانشگاه، فاکولته را دانشکده، مکتب را مدرسه، شاگرد مکتب را دانش‌آموز، پنسل را مداد، بیک مکتب را کیف، چوکی را صندلی، پنسل‌پاک را مدادپاک‌کن، کلکین را پنجره و دفت را برپا، دوسیه را پرونده، شهادت‌نامه را کارنامه، و ورق را برگ بگوییم.

این کار حتی اگر نخبگان اراده و توافق انجامش را داشته باشند بسیار پرهزینه و دردسرساز است، و اگر اعمال شود مردم را الکن خواهد ساخت و گفتگو و تماس را حداقل برای یک یا دو نسل دچار مشکل خواهد کرد. به احتمال زیاد مردم از چنان حرکت افراطی استقبال نخواهند کرد و در برابرش واکنش نشان خواهند داد.

باز تنها محیط مکتب و اداره و دانشگاه نیست. به هر سمت زندگی رخ کنیم با سستی از اصطلاحات و کلمات و عباراتی مواجه می‌شویم که فارسی اند ولی با فارسی ایران تفاوت دارند. در چوپانی، دهقانی، تجارت، مستری‌گری، قضا، سیاست، خانواده، صحت و دیگر عرصه‌ها مثل مکتب ما گونه فارسی خود را داریم.